

محمد صادق نصرتی، مربی کشتی بچه های توس
روی تشک، درس زندگی می دهد

۲

اول پهلوان بعد قهرمان



تصمیم اولم کشتی نبود

محمد صادق نصرتی، ساکن بولوار کشاورز در محله خین عرب، زمانی که فقط دوازده سال داشت، برای نخستین بار وارد سالن ورزشی شد. تصمیم اولیه اش کشتی نبود. همسایه شان که ژیمناستیک کار می کرد، او را برای ثبت نام به سالن برد، اما



کلاس ظرفیت نداشت.

همان جادوگر سالن ژیمناستیک، تمرین کشتی در حال برگزاری بود و همان چند دقیقه تماشا، مسیر زندگی محمد صادق را تغییر داد. او می گوید: دیدن تمرین کشتی نوجوان های هم سن و سالم برایم جذاب بود. همان روز تصمیم گرفتم این رشته را شروع کنم و دیگر هم رهايش نکردم. البته علاقه به این ورزش در خانواده ام ریشه دارد. خانواده مادری کشتی گیر بودند و در خانواده پدری نیز جودو رواج داشت. همین باعث شد در انتخابم مصمم تر باشم.

کشتی، ورزش همه فن حریف

وقتی از او می پرسیم چرا کشتی را متفاوت می داند، پاسخ را با تعریف فنون آغاز نمی کند: از ذهن و تصمیم گیری حرف می زند. به گفته او، کشتی رشته ای است که هم قدرت می خواهد، هم تمرکز، هم هوش و هم سرعت تصمیم گیری. در کسری از ثانیه باید برای اجرای یک فن تصمیم گرفت و مثل یک شطرنج باز، چند حرکت بعدی حریف را پیش بینی کرد. نصرتی معتقد است کشتی بیش از آنکه صرفاً یک ورزش قدرتی باشد، میدان آزمون صبر و اراده است؛ ویژگی ای که به گفته او در بسیاری از نوجوانان محلات توس دیده می شود. می گوید: اکثر بچه های بولوار توس از کودکی مشغول کار می شوند تا در هزینه های زندگی کمک دست خانواده باشند. در این مسیر سختی های زیادی را تحمل می کنند و همین صبرشان را زیاد می کند.

آغاز مربیگری با حادثه ای تلخ

سال ها تمرین و حضور در مسابقات، برای محمد صادق مدال های مختلفی در رده های نونهالان، نوجوانان، جوانان و دانشجویان به همراه داشته است. او این مدال ها را مدیون استادانی می داند که سال ها در کنارشان کار کرده است. مربیانی مثل قاسم فیلابی، سعید غروی و مسعود اسماعیل نژاد.

درگذشت ناگهانی مادر، آن هم در سال های جوانی، یکی از اتفاقات تلخ زندگی نصرتی بوده است؛ اتفاقی که باعث شد دیگر نتواند مانند گذشته، ورزش قهرمانی را ادامه دهد. چند سال بعد نیز پارگی رباط صلیبی، امکان حضور در مسابقات پیشکسوتان را از او گرفت. می گوید: در همان روزها، آقای اسماعیل نژاد را دیدم و به من پیشنهاد کردند که وارد عرصه مربیگری شوم.

نصرتی از سال ۱۳۹۴ زمانی که ۲۶ سال داشت، مربیگری را در منطقه توس آغاز کرد و سه سال بعد نیز مدرک رسمی مربیگری را گرفت. ابتدا در مجموعه چدنی، سپس در آکادمی مسلم و امروز در سالن شهدای تاکسی رانی، در توس ۳۳ کشتی را به علاقه مندان آموزش می دهد.

مربیگری سخت تر از ورزشکار بودن

نصرتی معتقد است تفاوت یک ورزشکار با یک مربی، فقط در آموزش فنون نیست. او می گوید: وقتی ورزشکاری، مسئول خودت هستی؛ اما وقتی مربی می شوی، مسئول آینده همه بچه هایی هستی که روی این تشک تمرین می کنند و امیدشان برای رشد و رسیدن به قهرمانی به مربی است. همان طور که چشمش به حرکات بچه ها است، از نوجوانانی می گوید که هر کدام داستان متفاوتی دارند و تعریف می کند: بعضی از آن ها صبح زود به سر کار می روند، چند ساعت استراحت می کنند و عصر خودشان را به تمرین می رسانند. بسیاری از خانواده ها توان حمایت مالی کامل را ندارند و نوجوانان، بخشی از هزینه های زندگی یا حتی ورزش را خودشان تأمین می کنند. قهرمانی برای این بچه ها آسان به دست نمی آید؛ پشت هر مدال، ساعت ها کار، خستگی و تلاش پنهان شده است.

انتخاب های محدود برای نوجوانان توس

صحبت که به نوجوانان محلات توس می رسد، لحنش جدی تر می شود. او می گوید: از ابتدای توس تا بولوار شاهنامه، استعداد های فراوانی در کشتی وجود دارد؛ نوجوانانی که به واسطه سختی های زندگی، صبر و استقامت را زودتر از هم سالانشان یاد گرفته اند. اما در کنار این استعدادها، نگرانی دیگری هم برای این مربی وجود دارد. او ادامه می دهد: بسیاری از نوجوانان این محلات انتخاب های محدودی پیش رو دارند و همین مسئله، نقش ورزش را پررنگ تر می کند؛ اینکه کودک و نوجوان سراغ ناهنجاری های اجتماعی

اخلاق مهم تر از مدال

بروند یا مسیر موفقیت را با ورزش و کار برای خودشان رقم بزنند تلاش ما این است که اگر نوجوانی وارد کشتی شد، با تمام توان مسیر بماند و آینده بهتری برای خودش بسازد.

در سالن شهدای تاکسی رانی، تمرین فقط به گرم کردن، فن و مهارت ختم نمی شود. آقا محمد صادق پیش از هر چیز، از بچه های محلات توس، خانواده و آینده شغلی شان فکر کنند و همان طور که به تمرین توجه دارد، گاهی یکی را کنار می کشد و از نتایج امتحانش می پرسد. یک آفرین دوباره، او را راهی تشک می کند. او می گوید: بعضی از بچه ها گفته اند حتی اگر هرگز روی سکوی قهرمانی نایستند، از توانسته اند رفاقت های ناسالم را کنار بگذارند و مسیر ورزش را انتخاب کنند، احساس پیروزی می کنند و همین جمله برایم ارزش زیادی

رفتن قهرمانان خاطره تلخ مربیان

از دوباره سخت ترین روزهای مربیگری می پرسم. انتظار دارم از شما در مسابقات یا مصدومیت شاگردانش بگویم، اما پاسخ دیگری می شنیدم. تلخ ترین اتفاق برای او، زمانی است که ورزشکاری با استعداد، رانیمه کاره را می کند یا از دور مسابقات قهرمانی خارج می شود. او می گوید: برای بعضی از این بچه ها سال ها برنامه ریزی بودم تا روزی پیراهن تیم ملی را بپوشند، اما ناگهان در کنار گذاشتند. یک مربی دوست دارد نتیجه سال ها زحمت را روی سکوی قهرمانی ببیند. وقتی یک استعداد از

